

سیر تحول نقش فرشته در مکاتب نگارگری ایرانی

دکتر علی محمودی عالمی *۱ ، الهام خاکسار ۲

۱. استادیار گروه هنر دانشکده مارلیک نوشهر، Alimahmodialami@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشکده مارلیک نوشهر، ilia60_85@yahoo.com

چکیده

از میان هنرهای گوناگون ، هنر نقاشی می تواند نزدیکترین پیوند را میان جهان معقول و عالم محسوس برقرار کند، زیرا این هنر نه چون فن موسیقی به یکباره از توسل به نمودهای مادی و عینی برکنار است و نه چون پیکر سازی و معماری ، کاملاً در بند شکلها و قالبهای جهان محسوس است . از آنجا که در این هنر ، جهان چند بعدی ، بروی صفحه ای که تنها دارای دو بعد یعنی پهنا و درازا می باشد منعکس می گردد ، حالات گوناگون درونی و بیرونی جهان و عوالم مربوط به دریافت انسان از عالم بازگو می شود و از این نظر یک قطعه نقاشی ممتاز، می تواند نموداری از مجموعه حقایق مربوط به هستی باشد (تجویدی ، ۱۳۷۵ ، ۹) .

نگارگری ایرانی حامل نمادها و نشانه ها و عناصر فراوانی است و این رموزها و نشانه ها مرتبط با فرهنگ ایران و برخاسته از دین ، ادبیات و آیین های باستانی است و با خود تاریخ غنی ایران را به همراه دارد . ایرانیان از دیرباز به عالم ارواح و فرشتگان و موجودات خارق العاده باور داشته اند و به آن اهمیت می دادند و با استفاده از قدرت تخیل و هنر خود سعی در به وجود آوردن فضاهای ذهنی خود داشتند .

ردپای تصویر فرشتگان در نقاشی ایرانی ، از نقش برجسته های دوران باستان تا ظهور اسلام و سپس در مکاتب مختلف نگارگری پس از اسلام و حتی در عصر حاضر به چشم می خورد و شاید این نمادها حامل رازهای عارفانه ای باشد که آمیخته با فرهنگ و ادبیات ایران است و یقیناً از آن تأثیر پذیرفته است .

در این پژوهش که به روش توصیفی _ تحلیلی صورت گرفته و برای جمع آوری داده ها و اطلاعات از روش کتابخانه ای _ آرشیوی و مشاهده ی غیر مستقیم تصاویر و آثار مربوطه استفاده شده است ، سیر تحول نقش فرشته از دوران باستان تا عصر حاضر و در مکاتب مختلف نگارگری ایرانی مورد بررسی قرار می گیرد .

واژگان کلیدی : نقش فرشته ، سیر تحول ، مکاتب نگارگری ایرانی